

The Relationship between Freedom and Political Security in the Idea of Āyatollāh Nā'ini¹

Mohammad Ismail Nabatian¹

1. Assistant Professor, Faculty of Education and Islamic Thought, University of Tehran, Tehran; a member of the political studies association of the domain, Qom, Iran. me.nabatian@ut.ac.ir

Abstract

The purpose of the present study is to review the relationship between freedom and political security in the ideas of Āyatollāh Nā'ini. The deep-rooted culture of absolutism in Iran has led to the perception of freedom as something that happens after autocracy, yet autocracy has been considered as the harbinger of security. Thus, upon the collapse of autocracy, the outburst of freedom and chaos would occur to destroy the security of autocracy. The experience of Qajar absolutism and then the chaos after the constitutional revolution is an objective manifestation of this culture. In such a chaotic condition, Mohaqqueq Nā'ini, an eminent jurist and Osouli, dealt with reflection upon governance, autocracy, security, freedom, ... and attempted to interpret these new concepts based on jurisprudential principles and tenets. He tried to define favorite order of Islam with respect to the circumstances of his era so that concepts of freedom and political security could be defined under that favorite order. Regarding the disorderly condition of the constitutional era as well as Nā'ini's Osouli approach, this question is raised: what is the relationship between freedom and political security in his idea? Using descriptive-analytic method and Skinner's hermeneutic paradigm, the present study showed that Nā'ini has derived the conception of politics, freedom, and security from the heart of religion and has defined religion as the source of thinking so he defined Wilāyatiyah government as the favorable and permissible order in religion. He believes that in the light of Wilāyatiyah government and based on religious instructions, there is interaction and even correlation between political security and freedom.

Keywords: Freedom, Security, Autocracy, Skinner's Hermeneutic Method, Āyatollāh Nā'ini, Political Security.

1. Received: 2021/12/24 ; Revised: 2022/02/04 ; Accepted: 2022/03/16

© the authors

<http://sm.psas.ir/>

Publisher: Political Studies Association of the Seminary

مناسبات آزادی و امنیت سیاسی در اندیشه آیت‌الله نائینی^۱

محمداسماعیل نباتیان^۱

۱. استادیار، دانشکده معارف و اندیشه اسلامی، دانشگاه تهران، تهران؛ عضو انجمن مطالعات سیاسی حوزه، قم، ایران.
me.nabatian@ut.ac.ir

چکیده

هدف پژوهش حاضر بررسی مناسبات آزادی و امنیت سیاسی در اندیشه آیت‌الله نائینی است. فرهنگ دیرینه استبداد در ایران سبب فهم آزادی در پس استبداد شده و در عین حال، استبداد مَنادی امنیت تلقی گردیده است. از این رو با فروپاشی استبداد، طغیان آزادی‌ها و هرج و مرج عارض می‌شد که امنیت منبث از استبداد نیز نابود می‌گردید. تجربه استبداد قاجار و هرج و مرج پسامشروطه تبلور عینی این فرهنگ است. محقق نائینی، فقیه و اصولی برجسته، در چنین شرایطِ مُلتهبی به اندیشه‌ورزی درباره حکومت، استبداد، امنیت، آزادی و... پرداخت و کوشید مفاهیم جدید را با ابتدای بر اصول و قواعد فقهی، تفسیر و تبیین نماید و به اقتضای عصر خود، نظم مطلوب شرع را تعریف کند که مفاهیم آزادی و امنیت سیاسی ذیل آن امکان تعریف بیابند. با عنایت به محیط مُلتهب عصر مشروطه و رویکرد اصولی نائینی، این سؤال مطرح می‌شود که چه نسبتی میان آزادی و امنیت سیاسی در اندیشه نائینی وجود دارد؟ پژوهش حاضر با روش توصیفی-تحلیلی و با بهره‌گیری از روش هرمنوتیک اسکینر، نشان داد که نائینی با رهجویی سیاست، آزادی و امنیت از دل شریعت و تعریف شرع به عنوان نقطه عزیمت اندیشه‌ورزی، حکومت ولایتیه را نظام مطلوب و مَمضی شرع تعریف نموده که در سایه آن و بر اساس تعالیم شرع، بین امنیت سیاسی و آزادی، تعامل و بلکه تلازم حاکم است.

واژه‌های کلیدی: آزادی، امنیت، استبداد، روش هرمنوتیک اسکینر، آیت‌الله نائینی، امنیت سیاسی.

۱. نباتیان، محمداسماعیل (۱۴۰۱). مناسبات آزادی و امنیت سیاسی در اندیشه آیت‌الله نائینی. *سیاست متعالیه*، ۱۰(۳۶): ۸۳-۱۰۰.
DOI: 10.22034/sm.2022.549149.1839

تاریخ ارسال: ۱۴۰۱/۱۰/۰۳؛ تاریخ اصلاح: ۱۴۰۱/۱۱/۱۵؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱۲/۲۵

۱. مقدمه

از ابتلائات تاریخی جوامع، مسئله نسبت امنیت و آزادی است. از یک‌سو، انسان‌ها بر اساس فطرت خویش داعیه و دغدغه آزادی دارند و از سوی دیگر، نگران از بقاء و بیم جان، به امنیت در سایه قدرت، حتی جائر پناه می‌برند. با ظهور اسلام، آزادی بر مبنای فطرت انسانی بنیان نظام اجتماعی قرار یافت؛ اما با تبدل امامت و خلافت به سلطنت، امنیت بر کرسی اعلاء نشست و نهادینه شد. ورود تجدد به جوامع مسلمان، این سنت استیلایی را به چالش کشید و چالش آزادی و امنیت در جامعه و اندیشه متفکران مسلمان برافروخته شد.

فرهنگ دیرینه استبداد در ایران سبب شده که آزادی در پس استبداد و به معنای اوج آزادی یک فرد فهم شود، و در عین حال، استبداد منادی و ضامن امنیت به حساب آید؛ از این رو، با فروپاشی استبداد، طغیان آزادی‌ها و در نتیجه هرج و مرج و ناامنی بر جامعه عارض می‌شد. استبداد قاجار و هرج و مرج پسامشروطه تبلور عینی این فرهنگ در جامعه ایران می‌باشد.

آیت‌الله نائینی (۱۲۷۶-۱۳۵۵ق)، فقیه و اصولی برجسته، در چنین محیط و شرایطی به اندیشه‌ورزی در باب حکومت، استبداد، آزادی و... پرداخته است. او در این بُرهه پُر تلاطم، با هدف تقبیح استبداد و تحسین آزادی، کتاب ارزشمند «تبییه الامه و تنزیه المله» را نگاشت. نائینی با فهمی اصولی و اجتهادی، به مواجهه با تجدد و مسائل آن شتافت و توجه به مسائل تجدد را در پس تمسک و اتکای بر اصول و قواعد فقهی و اصالت و اعتبار آنها تلقی نمود (میراحمدی، ۱۳۹۹: ص ۱۰۹). به طوری که از غفلت حوزه‌ها در عدم توجه به مقتضیات مبانی و اصول مذهب و بی‌علاج پنداشتن رقیب طواغیت، شکوه می‌کند، در حالی که از مثل یک کلمه مبارکه «الاتقض الیقین بالشک» آن همه قواعد لطیفه استخراج می‌نماید (نائینی، ۱۳۹۳: ص ۹۱).

نائینی در محیط متأثر از فرهنگ استبداد ایرانی و تجدد تازه وارد، با رویکرد اجتهادی به تبیین حکومت مطلوب و مفهوم آزادی و لوازم و لواحق آن پرداخته (نائینی، ۱۳۹۳: ص ۴۹) و از ابتلای آحاد مملکت به خوف و ناامنی غفلت نورزیده و از شرع انور در تبیین امنیت استمداد جسته است (همان: ص ۴۱-۴۳).

با عنایت به محیط حیات نائینی و زمینه زبانی و سنت فقهی شیعه، این سؤال مطرح می‌شود که در اندیشه نائینی، چه نسبتی میان آزادی و امنیت سیاسی است؟ در پاسخ، می‌توان گفت نائینی با رهنمایی سیاست، آزادی و امنیت سیاسی از شریعت و تعریف شرع به عنوان نقطه عزیمت اندیشه‌ورزی، ولایتیه را حکومت مطلوب و مضمی شرع تعریف نموده که امنیت سیاسی و آزادی در سایه آن معنا پیدا می‌کنند و

چون هدف‌گذاری حکومت ولایتیه، حرکت در راستای رضایت شرع است، نسبت امنیت سیاسی و آزادی بر اساس شرع تعریف می‌شود و تقدّم و تأخّر هر یک در پرتو شرع معنا پیدا می‌کند؛ از این‌رو، نوعی تعامل و بلکه تلازم بین آزادی و امنیت سیاسی در سایه حکومت ولایتیه حاکم بوده و دستیابی به هر یک بر تحقق دیگری ابتناء دارد و معیار تراز قبض و بسط آن‌ها، شرع می‌باشد.

در این پژوهش برای تبیین نسبت آزادی و امنیت سیاسی در اندیشه نائینی، از روش‌شناسی هرمنوتیک کوئینتین اسکینر^۱ استفاده شده است. اسکینر نگاهی روش‌شناختی به هرمنوتیک دارد و روش هرمنوتیک (با تأکید بر عوامل زبانی) را با روش جامعه‌شناسی معرفت پیوند زده است. بر این اساس، اندیشه هر متفکر، که از آن به «معنا» تعبیر می‌شود، تحت تأثیر «بسترها و زمینه‌ها» شکل می‌گیرد. زمینه‌ها مشتمل بر دو قسم است:

۱. **زمینه‌های عملی و شرایط اجتماعی:** اندیشه در پاسخ به ابتلائات و مسائل زمانه اندیشمند شکل می‌گیرد. از این‌رو، شناخت زمینه‌های محیطی، عینی و عملی که اندیشه متفکر در آن رشد یافته، در فهم و تفسیر آرای او مهم و ضروری است (اسکینر، ۱۳۸۰: ص ۳۹).

۲. **زمینه‌های ایدئولوژیکی و زبانی:** اندیشه سیاسی متفکران در تعامل و ارتباط با قواعد، هنجارها، عادات، گفتارها و عرف زمانه شکل می‌گیرد. مجموعه اینها در قالب آثار، نوشته‌ها و ایدئولوژی‌های هر عصر، سنتی زبانی و فکری را شکل می‌دهد (نوذری و پورقلی، ۱۳۸۹: ص ۱۰۹-۱۱۱). اسکینر علاوه بر آثار و نوشته‌ها، به «جهان‌ذهنی یا روانی» مؤلف و اندیشمند نیز توجه می‌کند؛ جهان ذهنی، جهان اعتقادات تجربی (تجربه شده) مؤلف را دربرمی‌گیرد. به عبارتی، برای فهم اندیشه یک متفکر باید زبان خاص آن دوره و معانی، مفاهیم و گزاره‌های متداول در آن عصر و نیز سنت، عرف، اصول و قواعد مرسوم و مسلط بر استدلال‌های سیاسی حاکم بر آن دوره و جامعه را شناخت (همان: ص ۱۱۴-۱۱۵).

۲. زمینه‌های عملی و ایدئولوژیکی و زبانی فهم معنای آزادی و امنیت سیاسی در اندیشه نائینی

الف) زمینه‌های عملی و شرایط اجتماعی

پیروزی انقلاب مشروطه در سال ۱۲۸۵، نظم جدیدی را پیش روی ایرانیان نهاد؛ و در عین حال، به آوردگاه نزاع سنت و تجدد بدل گردید. در این بُرهه پُرآلتهاپ، نائینی در دفاع از مشروطه به تبیین مفاهیم

1. Quentin Skinner

متجدد در بستر سنت فقهی - اجتهادی پرداخت.

با گذری بر حیات و تأملات نائینی، می‌توان ردّپای تأثیر زمینه‌های زیر را در اندیشه‌ورزی او یافت:

۱. **قیام تنباکو و انقلاب مشروطه:** قیام تنباکو تحت زعامت مرجعیت شیعه که نائینی در کنار استادش میرزای شیرازی در آن مشارکت داشت، تبلور قدرت سیاسی و اجتماعی مرجعیت بشمار می‌رفت. همچنین نقش پررنگ حوزه علمیه و مراجع تقلید نجف در انقلاب مشروطه، به‌ویژه استاد مشروطه‌خواه او، آخوند خراسانی، زمینه ورود و تأملات او را در مفاهیمی چون آزادی و امنیت فراهم نمود (نائینی، ۱۳۹۳: ص ۳۳ - ۳۴).

۲. **گفتمان نواندیشی در جهان عرب و عثمانی:** در شهر نجف به‌تبع تحولات فکری عثمانی و جهان عرب، جرایدی نظیر المنار و الهلال، و انجمن‌های روشنفکری متعددی مانند انجمن سعادت و اتحاد و ترقی فعالیت می‌کردند (نجفی، ۱۳۷۹: ص ۶۹-۷۰) که مَنادِ مفاهیمی چون مشروطه، دموکراسی، سوسیالیسم، آزادی، برابری و... بودند. انجمن سعادت از تشکّل‌های مشروطه‌خواه مستقر در اسلامبول بود که با علمای مشروطه‌خواه شیعه در نجف ارتباط داشت و حتی آخوند خراسانی نماینده‌ای برای شرکت در نشست انجمن سعادت به اسلامبول فرستاد (نجفی، ۱۳۷۹: ص ۳۷۸). این حدّ از ارتباط علما به‌ویژه آخوند خراسانی، استاد نائینی، با انجمن‌های روشنفکری، زمینه‌آشنایی نائینی با مفاهیم جدید را فراهم کرد (عنایت، ۱۳۷۲: ص ۲۳۳).

۳. **تاریخ اسلام:** نائینی در بحث استبداد و تبیین ریشه‌های آن به تحولات تاریخ اسلام استناد می‌کند. او گذار جامعه اسلامی از خلافت راشده به سلطنت در دوره امویان را سرآغاز استبداد و حکومت تملیکیه می‌داند که با اتکای بر استبداد دینی، بر گرده ملت‌های مسلمان مسلط شدند و امنیت را حاکم بر دیگر نیازهای انسان مسلمان قلمداد می‌کردند (نائینی، ۱۳۹۳: ص ۵۴-۵۵، ۶۲، ۸۵، ۹۲، ۱۳۸).

ب) زمینه‌های ایدئولوژیکی و زبانی

نائینی با فهم اجتهادی به‌مواجه با تجدد شتافت (میراحمدی، ۱۳۹۹: ص ۱۰۸ - ۱۰۹). وی با انتقاد از شیوه حوزه‌ها در عدم توجه به اجتهاد در مسائل اجتماعی و سیاسی، می‌نویسد: «با اینکه ... از مثل یک کلمه مبارکه «لاتنقض الیقین بالشک» آن همه قواعد لطیفه استخراج نمودیم، از مقتضیات مبانی و اصول مذهب و مایه امتیازمان از سایر فرق، چنین غافل و ابتلای به اسارت و رقیت طواغیت امت را الی زمان

الفرج (عجل الله تعالى ايامه) به کلی بی‌علاج پنداشته، اصلاً در این وادی داخل نشدیم» (نائینی، ۱۳۹۳: ص ۹۱). با عنایت به پیشینه زبانی اندیشه نائینی، می‌توان عوامل زبانی و ایدئولوژیکی زیر را برای فهم او از آزادی و امنیت سیاسی مؤثر دانست:

۱. **نصوص اسلامی:** نائینی در تشبیه‌الامه حدود هشتاد مورد به آیات و روایات استناد و استشهاد کرده است؛ از جمله به سخن امام حسین(ع) در ذلت‌ناپذیری، گفتارهای امام علی(ع) و آیه ۲۶ سوره غافر درباره بهره‌گیری فرعون از استبداد دینی اشاره می‌کند (همان: ص ۵۳-۵۵، ۷۸-۸۳).

۲. **مکتب اصولی و روش عقلی شیخ انصاری و آخوند خراسانی:** نائینی در استدلال بر مشروطه و مفاهیم ناظر بر آن، از سنت زبانی و روشی اصول شیخ انصاری در فرآیند اصول و آخوند خراسانی در کفایه‌الاصول بهره می‌برد (نجفی، ۱۳۷۹: ص ۱۸۸). نظام زبانی و معنایی اصولی بر عقل‌گرایی نائینی و بهره‌گیری او از اصولی نظیر اصله‌الاباحه، برائت، وجوب مقدمه واجب، دفع افسد به فاسد و قدر مقدور برای پذیرش مفاهیم مدرن نظیر قانون، پارلمان، تفکیک قوا، آزادی و امنیت تأثیر بسزایی داشت (نائینی، ۱۳۹۳: ص ۹۱، ۱۳۳-۱۳۸).

۳. **نظریه شیخ انصاری و آخوند خراسانی در مسئله ولایت فقیه:** شیخ انصاری و به‌تبع او، آخوند خراسانی، ادله را از اثبات ولایت فقیه در حوزه عمومی در عصر غیبت قاصر می‌دانند (انصاری، ۱۴۲۲ق: ص ۵۴۵-۵۵۸؛ آخوند خراسانی، ۱۴۰۶ق: ص ۹۶). بر اساس نظریه شیخ و آخوند، اختیارات فقیه در حوزه سیاسی، به صورت مطلق پذیرفته نمی‌شود و این دیدگاه تقییدی به اختیارات فقیه، زمینه را برای نقش‌آفرینی عرف و پارلمان و قانون در اندیشه نائینی و تبیین آن شیعه فراهم می‌کرد (نائینی، ۱۳۹۳: ص ۷۵-۷۷). نکته شایان ذکر اینکه، نائینی ماهیت قدرت و حکومت را دینی می‌دانست و اساساً فهم نائینی، شباهتی با برداشت‌های سکولار ندارد (فیرحی، ۱۳۷۲: ص ۱۴۰).

۳. فهم نائینی از آزادی

لغت‌شناس معاصر نائینی، دهخدا، آزادی را به حریت، اختیار، خلاف بندگی و رقیت و عبودیت و اسارت و اجبار، قدرت عمل و ترک عمل، رهایی و خلاص معنا کرده است (دهخدا، ۱۳۷۷: ص ۱۱۷). آزادی از مفاهیم اساسی در حیات انسان، و به‌تبع، در اندیشه متفکران در سده‌های اخیر بشمار می‌آید، به طوری که هیچ کلمه‌ای به اندازه آزادی اذهان را به خود متوجه نساخته است (منتسکیو، ۱۳۹۵: ص ۲۹۲).

فهم مراد نائینی از آزادی مستلزم تعمق در آثار او و نیز زمینه محیطی و جهان ذهنی اوست. تأملات فقهی و سیاسی او درباره آزادی در جامعه‌ای انجام می‌شد که دو مینا در آن نقش داشت: یکی، مینای غربی آزادی که ریشه در قرارداد اجتماعی و فلسفه سیاسی غرب داشت، و دیگری، مینای اسلامی و ایرانی آزادی که در تراث اسلامی و سنت ایرانی ریشه دارد. به همین دلیل، به هنگام ورود مفاهیمی چون آزادی به ایران، روشنفکران با هدف پذیرش در فضای جامعه، به جای جعل کلمات جدید، به تطبیق این مفاهیم مدرن با واژه‌ها و عبارات‌های موجود در تراث دینی، آیات و احادیث پرداختند (سلیمانی و همکاران، ۱۳۹۳: ص ۶۳، ۶۶). حتی مستشارالدوله درباره حریت مطبوعه، آن را مشروط به عدم اضرار به دین یا اخلاق عامه می‌داند که اگر چنین بود، «ازاله آن ضرر، واجب است» (مستشارالدوله، ۱۳۸۶: ص ۳۴).

۳-۱. فهم نائینی از آزادی به مثابه رفع مانع و رهایی از اسارت

نائینی در تبیین حکومت مطلوب ولایتیه، اساس آن را «بر آزادی رقاب ملت از این اسارت و رقیت منحوسه ملعونه» بنا می‌کند (نائینی، ۱۳۹۳: ص ۴۹، ۵۱) و «سرعت سیر ترقی و نفوذ اسلام» که «محیر عقول عالم» بود را در پرتو حریت و مساوات در میان ملت اسلام دانسته و در مقابل، بازگشت به جاهلیت قبل از اسلام را در سایه «سقوط در ورطه رقیت و نشئه خسیسه نباتیه» می‌داند که تا عصر حاضر تداوم یافته است (همان: ص ۵۰ - ۵۱). نائینی در تأیید سخن خود به آیات و احادیث متعدد استناد می‌کند (همان: ص ۵۱).

نائینی احیای جامعه اسلامی صدر اسلام و ترقی و تعالی جامعه را مستلزم حریت و مساوات می‌داند و این دو اصل با سه مانع مکمل هم مواجه است: استبداد، استبداد دینی و جهل.

۱) استبداد، استعباد و استرقاق رقاب ملت که اساس حکومت تملیکیه است. او با اشاره به آیات و روایات، مقصود از نفی عبودیت حاکمان خودسر که در نصوص آمده را همان آزادی می‌داند (همان). از نظر او، ظاهر آیات ناظر بر استیلا فرعون (شعراء، ۲۲؛ مومنون، ۴۷؛ اعراف، ۱۲۷)، بیانگر عبودیت بنی اسرائیل و مقهوریت‌شان در برابر فرعون است (نائینی، ۱۳۹۳: ص ۵۲). نائینی در مقایسه محنت و بردگی بنی اسرائیل با ابتلای مسلمانان به اسارت بنی امیه، به بیان حضرت علی (ع) اشاره می‌کند که می‌فرمودند: «اتخذتهم الفرانعة عبیداً»، «فرعون‌ها آنان [بنی اسرائیل] را به بندگی و بردگی گرفتند» (نهج البلاغه، ۱۳۶۹: خطبه ۱۹۲، ۹۳). در مقابل، به سیره سیدالشهداء (ع) استناد می‌کند که «از برای حفظ حریت خود و توحید پروردگارش، تمام هستی و دارایی را فدا، و این سنت کریمانه [را] برای احرار امت

استوار و از شوائب عصبیت مذمومه تنزیهش فرمود) (نائینی، ۱۳۹۳: ص ۵۶). نائینی با استناد به آیات (نور، ۵۵) و احادیث (قمی، ۱۴۱۱: ج ۲، ص ۱۰۸) و فقرات آخر دعای افتتاح، ظهور حضرت حجت (عج) را نیز در جهت رفع مقهوریت و طاعت طواغیت امت و حریت انسان می‌داند (نائینی، ۱۳۹۳: ص ۵۶-۵۷).

۲) **استبداد دینی:** نائینی «استبداد را به سیاسی و دینی منقسم و هر دو را مرتبط به هم و حافظ یکدیگر و با هم توأم دانسته است» (همان: ص ۵۸). او با استناد به آیه «عَبَدتَ بنی اسرائیل» (شعراء، ۲۲) و حدیث علوی (ع): «اتَّخَذْتَهُمُ الْفِرَاعِنَةُ عِبَاداً» (نهج البلاغه، ۱۳۶۹: خطبه ۱۹۲)، منشاء استبداد قسم اول (استبداد سیاسی) را تملک آبدان و با استناد به آیه «اتَّخَذُوا أَحِبَارَهُمْ وَ رُهبَانَهُمْ أَرْبَاباً» (توبه، ۳۱)، منشاء قسم دوم (استبداد دینی) را تملک قلوب می‌داند؛ از این رو، «قلع این شجره خبیثه و تخلّص از این رقیّت خسیسه ... در قسم اول، آسهل و در قسم دوم در غایت صعوبت و بالتبع موجب صعوبت علاج قسم اول هم خواهد بود» (نائینی، ۱۳۹۳: ص ۵۸).

۳) **جهل:** نائینی جهل را اصل و منشاء و روح تمام قوای حافظ استبداد و منبع شرور و موصل به اسفل درکات می‌داند (نائینی، ۱۳۹۳: ص ۱۴۱). «به واسطه جهل است که انسان بیچاره، آزادی خدادادی و مساواتش در جمیع امور با جبار به غاصبین حریت و حقوق ملّیه را رأساً فراموش و به دست خود طوق رقیّت‌شان را به گردن می‌گذارد» (همان: ص ۱۴۲). او «مسجودیت فراعنه و طاغیان، و... مالک رقاب شدن امویه و عباسیه و اخلافشان و اتباع کل ناعق بودن ایرانیان» را «امّ الشرور و الامراض» (جهل) می‌داند که هر بلانی که از ابتدا تا انقراض عالم بر سر امت آمده و بیاید، از این مادر متولد شده است (همان: ص ۱۴۲-۱۴۳).

۲-۳. رهجویی آزادی از شریعت

در اندیشه نائینی، حقیقت آزادی به مفهوم اسلامی آن در رفع رقیّت سلاطین و رهایی از اسارت حکومت تملّکیه و امیال و هواهای آن‌ها است، نه رفع ید از احکام دین و مقتضیات مذهب و رهایی از عبودیت خدا و ولیّ الهی؛ آن طور که روشنفکران عصر مشروطه بر آن تأکید داشتند (حائری، ۱۳۹۲: ص ۳۰۱-۳۰۲). «حقیقت تبدیل نحوه سلطنت غاصبه جائره، عبارت از تحصیل آزادی از این اسارت و رقیّت و تمام منازعات و مشاجرات واقعه فیما بین هر ملّت با حکومت تملّکیه خودش بر سر همین مطلب خواهد بود، نه از برای رفع ید از احکام دین و مقتضیات مذهب» (نائینی، ۱۳۹۳: ص ۹۶). در واقع،

«مقصد هر ملت ... تخلص از این رقیب و استنقاذ رقابشان از این اسارت است، نه خروج از رقبه عبودیت الهیه - جلّت آلائه - و رفع التزام به احکام شریعت و کتابی که بدان تدین دارند» (همان: ص ۹۷). از منظر نائینی، «حقیقت دعوت به حرّیت و خلع طوق رقیّت ظالمین به نص آیات و اخبار سابقه، دعوت به توحید و از وظایف و شؤون انبیاء و اولیاء - علیه السلام - است» (همان: ص ۱۵۹).

بنابراین، نائینی با رهجویی آزادی از شریعت، آن را در چارچوب شریعت فهم می‌کند و حدود و ثغورش را ترسیم می‌نماید. از این رو، در رفع شبهه تلازم بی‌بندوباری با آزادی، معتقد است: «این همه جانبازی‌های عقلاء و دانایان و غیرتمندان مملکت بطبقاتهم من العلما و الاخیار و التجار و غیرهم در استنقاذ حرّیت و مساواتشان، برای فرستادن نوامیس خود بی‌حجاب به بازار و مواصلت با یهود و نصاری و تسویه فیما بین امثال بالغ و نابالغ و نحو ذلک در تکالیف، و بی‌مانعی فسّقه و مبدعین در اِجْهَار به منکرات و اشاعه کفریات و اشباه و ذلک نخواهد بود» (همان: ص ۶۶). برعکس، اگر حاکم به فرمان الهی و برای هدایت جامعه به سوی سعادت بر نظر خویش پای فشارد، عمل او نه تنها مصداق استبداد و رقیّت مشنوم نیست، بلکه همچون داروی تلخ، اما شفابخشی در کام ملت خواهد بود، که آن‌ها را از ابتلاء به رقیّت شیاطین و فریفتگی در دام خدعه‌گران خواهد رهانید (سلیمانی، ۱۳۸۲: ص ۲۵۹).

در جمع‌بندی می‌توان گفت که در اندیشه نائینی، آزادی به معنای رهایی از یوغ استبداد سلاطین و مقهوریت تحت تحکّمات مستبدان و در چارچوب شرع انور است، نه رهایی از احکام دین و مقتضیات مذهب.

۴. فهم نائینی از امنیت سیاسی

امنیت سیاسی در دو سطح قابل ارزیابی است: فرد-محور یا سطح امنیت انسانی، و دولت‌محور یا سطح امنیت ملی. امنیت سیاسی فرد-محور بیانگر زندگی مردم در وضعیتی است که به حقوق اولیه و شهروندی آن‌ها احترام گذاشته شود (پورسعید، ۱۳۹۲: ص ۳۳؛ اخوان کاظمی، ۱۳۸۶: ص ۲۸-۲۹)، اما امنیت سیاسی دولت‌محور یا در سطح امنیت ملی، ناظر بر امنیت دولت است و در آن، دولت در مقام مرجع امنیت قرار می‌گیرد و هدف آن، تداوم حاکمیت سیاسی است. امنیت سیاسی به بیان بوزان، ناظر بر ثبات سازمانی دولت‌ها، سیستم‌های حکومتی و ایدئولوژی‌هایی است که به آن‌ها مشروعیت می‌بخشند (لکزایی، نباتیان و کریمیان، ۱۳۹۵: ص ۴۳). به عبارتی، دولت شامل سه حوزه مرتبط با هم بوده که امنیت سیاسی در سایه مصونیت هر سه، از تهدید و خطر محقق می‌گردد: ایدئولوژی دولت (ایده دولت)،

نهاد حکومت که برای تحقق ایدئولوژی لازم است (پایگاه نهادی- حاکم یا هیأت حاکمه)، و سرزمین و مرزهای مشخص (پایگاه مادی) (بوزان، ۱۳۷۸: ص ۸۷، ۱۱۲؛ بوزان، ویور و دووولد، ۱۳۹۲: ص ۲۲۵).

با توجه به محیط عینی و جهان ذهنی نائینی و پیشینه گفتمانی امنیت محور در تاریخ اسلام، امنیت در اندیشه ایشان، به مفهوم سلبی و فقدان تهدید خارجی و داخلی علیه ارزش‌های ملی و جامعه، قابل فهم است. ثقل بحث پژوهش حاضر بر بررسی نسبت آزادی با امنیت سیاسی دولت محور در اندیشه نائینی است؛ از این‌رو، عوامل تهدید و تأمین امنیت سیاسی بر اساس سه مؤلفه امنیت دولت محور بررسی می‌شود: نهاد حکومت (حاکم یا هیأت حاکمه)، سرزمین و مرزهای مشخص (پایگاه مادی) و ایدئولوژی مشروعیت بخش دولت (بوزان، ۱۳۷۸: ص ۸۷، ۱۱۲).

۴-۱. نهاد حکومت (حاکم یا هیأت حاکمه)

مؤلفه نخست امنیت سیاسی، نهاد حکومت است. نائینی حکومت را امانت تلقی می‌کند: «لامحاله سلطنت مجعوله در هر شریعت و بلکه نزد هر عاقل، چه به حق تصدی شود یا به اغتصاب، عبارت است از امانت داری نوع و ولایت بر نظم و حفظ و اقامه سایر وظایف راجعه به نگهبانی خواهد بود» (نائینی، ۱۳۹۳: ص ۶۹-۷۰).

نائینی با اشاره به ضرورت حکومت و توقّف نظام عالم به اصل حکومت، آن را منتهی به دو اصل می‌داند: نخست، حفظ نظامات داخلیه مملکت و تربیت نوع اهالی و رسانیدن هر ذی‌حقی به حق خود و منع از تعدی و تطاول آحاد ملت بعضهم علی بعض الی غیرذلک از وظایف نوعیه راجعه به مصالح داخلیه مملکت و ملت (امنیت داخلی).

اصل دوم، تحفظ از مداخله اجانب و تحذّر از حیل معموله در این باب و تهیه قوه دفاعیه و استعدادات حربیه و غیرذلک و این معنا را در لسان متشرعین، «حفظ بیضه اسلام» و سایر ملل «حفظ وطنش» خوانند» (امنیت خارجی) (نائینی، ۱۳۹۳: ص ۳۹-۴۰).

نائینی بر اساس میزان تعهد حکومت‌ها به انجام این دو اصل، حکومت را به دو قسم «تملیکیه» و «ولایتیه» تقسیم می‌نماید (همان: ص ۴۰). تملیکیه واجد عوامل تهدید امنیت سیاسی، و ولایتیه که مطلوب و ممضی شریعت است، مستجمع عوامل تأمین امنیت سیاسی می‌باشد. اساساً نائینی با نگاه از پنجره شریعت به حکومت و امنیت، به حُسن و قبح آنها رأی می‌دهد.

برای تبیین فهم نائینی از امنیت سیاسی در پرتو مفهوم حکومت، در ادامه، عوامل تهدید امنیت (حکومت تملیکیه) و امنیت (حکومت ولایتیه) بررسی می‌شود.

۱) نظام تملیکیه به مثابه تهدیدگر امنیت سیاسی: در اندیشه نائینی، حکومت تملیکیه با خصلت استبدادی، مستجمع قوای مهده امنیت نظام است. به عبارتی، تملیکیه استیلاء و تصرف بی هیچ قید و بند و محدودیتی است (همان: ص ۸۹). نائینی در توصیف تملیکیه می‌نویسد: «اول آنکه مانند آحاد مالکین نسبت به اموال شخصی خود با مملکت و اهلش معامله فرماید، مملکت را بمافیها مال خود انگارد و اهلش را مانند عبید و اماء ... اهتمامش در نظم و حفظ مملکت مثل سایر مالکین نسبت به مزارع و مستغلاتشان منوط به اراده و میل خودش باشد ... با قدسیّت و نحوها از صفات احدیّت - عزّ اسمه - خود را تقدیس نماید» (همان: ص ۴۱). نائینی ملّت مبتلاء به این حکومت را اُسرا و اذلاً و ارقاء می‌خواند که فانی در ارادات سلطان‌نشان هستند و حظّ استقلالی از وجود خود ندارند» (همان: ص ۴۲).

خصائصی که نائینی بر حکومت تملیکیه احصاء می‌کند، ناظر بر تهدید امنیت سیاسی نظام می‌باشند، البته کانون این خصلت‌ها، استبداد است که نائینی برای آن، قوای حافظه‌ای را تعریف می‌کند:

الف. جهل مردم: نائینی اصل و منشاء و روح تمام قوای حافظ استبداد را جهل ملت می‌داند و جهل را «امّ الشرور و الامراض» خوانده که «از ابتدا تا انقراض عالم هر بلائی که بر سر امت آمده و بیاید، از این مادر متولد و از این منشاء برپا [می‌شود]» (همان: ص ۱۴۲-۱۴۳).

ب. استبداد دینی: از قوای ملعونه استبداد است که بعد از جهل، از همه اعظم و علاجش هم به واسطه رسوخش در قلوب و از لوازم دیانت محسوب بودن، از همه اصعب و در حدود امتناع است. حکومت تملیکیه، مشروعیتش را از این قوه دریافت می‌کند و با تمسک بر آن، خود را محقّ بر مالکیت بر انفس و اموال ملت می‌داند (همان: ص ۱۴۳).

ج. شاه‌پرستی: نائینی شاه‌پرستی را جبّلت ثانیه و بت‌پرستی دانسته که «تمام قوای ملّیه را مضمحل و نابود و همه را در قبال غنیمان خارجی به منزله صعوه در چنگال شاهین و در تمام حوائج شبانه‌روزی محتاجشان می‌سازد» (همان: ص ۱۴۷).

د. تفرّق کلمه ملّیه: «القای خلاف فیما بین امت و تفریق کلمه ملّت است که قوای ثلاثه سابقه به منزله مقدمات آن عمل می‌کنند؛ از این جهت در لسان آیات و اخبار، تمام استبدادات را به همین تفرّق کلمه ملّیه ... مستند فرموده‌اند» (همان: ص ۱۴۹-۱۵۰).

هـ. قوه ارباب و تخویف و تعذیب (همان: ص ۱۵۵)، که جهت تخفیف، تحقیر و سرکوبی ملت و تفویض زمام سپاهیان مسلمان به فرماندهان بیگانه و معاندین دین است که جسارت به مخالفت شریعت، قتل نفوس و هتک اعراض و نهب اموال و... دارند (همان: ص ۱۵۸).

و. فرهنگ شدن زورگویی اقویا: از «قوای ملعونه استبداد، طبیعی شدن زورگویی ... فیما بین تمام طبقات» است (همان: ص ۱۵۶). این قوه ملعونه نیز تبعیض میان ملت و انفصال آنان از حکومت را موجب می‌شود.

این قوا و خصائص، نظامات داخلیه مملکت و تربیت اتباع و حقوق آحاد را به یغما برده و امنیت داخلی بلاد را تهدید می‌کند. از سوی دیگر، با انفصال ملت از حکومت تملیکیه و هراس‌انگیزی از ناامنی و هرج و مرج، امکان تهیه قوه دفاع و آمادگی جنگی جهت مقابله با بیگانگان و حفظ بیضه اسلام پیدا نمی‌شود و به تبع، مداخلات قدرت‌های بیگانه و تهدید امنیت خارجی را سبب می‌گردد.

۲) نظام ولایتیه به مثابه تأمین‌کننده امنیت سیاسی: در اندیشه نائینی، حکومت ولایتیه به معنای تصرف با قید و بند و محدودیت است (همان: ص ۸۹). در واقع، «ولایت بر اقامه وظایف راجعه به نظم و حفظ مملکت» است (همان: ص ۴۴). به گونه‌ای که دو اصل امنیت بیضه اسلام و نظامات داخلیه مملکت در سایه این حکومت تأمین می‌شود. حکومت ولایتیه بر قوایی استوار بوده که با تمسک به آن‌ها، حافظ این دو اصل می‌گردد.

الف. آگاهی بخشی ملت: علاج استبداد و عوارض ناشی از آن، آگاهی ملت نسبت به جهل بسیطشان (همان: ص ۱۵۹) و نیز جهل مرکب است، گرچه در قسم دوم بسیار سخت بوده، اما ممکن‌العلاج است (همان: ص ۱۶۱).

ب. تهذیب نفس: «بالضروه رادع و مانع از استبدادات همان ملکه تقوا و عدالت» بوده که عاصم دیگری متصوّر است (همان: ص ۱۶۱-۱۶۲).

ج. شایسته‌سالاری: نائینی علاج قوه ملعونه استبداد و تشکیل نظام ولایتیه را تابع لیاقت و درایت می‌داند (همان: ص ۱۶۴).

د. امر به معروف: یکی از علل سلطه استبداد، اهمال در دو وظیفه مهمّه شرعیه امر به معروف و نهی از منکر است: «چون مسلمانان به [حسب] اخبار غیبی پیغمبر و امام‌شان که فرمودند: «لتأمرنّ بالمعروف و لتنهّنّ عن المنکر أو لیسلطنّ علیکم شرارکم فیسومونکم سوء العذاب» [متقی هندی، ۱۴۳۱ق: ج ۳،

ص ۶۸۷] ... از چنان سعادت و حظی محروم مانده‌اند» (نائینی، ۱۳۹۳: ص ۱۶۶-۱۶۷).

هـ. اتحاد ملت و وحدت کلمه: «حفظ تمام موجبات شرف و نوامیس دینیه و وطنیه و استقلال قومیت ... همه بر این اتحاد کلمه و عدم تشّت آراء و مختلف نشدن اهواء مترتب [است...]» (همان: ص ۱۶۸).

۴-۲. ایدئولوژی مشروعیت‌بخش دولت

ایدئولوژی مبنای مشروعیت حکومت تلقی می‌شود و زمینه تحکیم و بقای آن را فراهم می‌کند. ایدئولوژی عامل پیونددهنده اجتماعی، و وحدت‌بخش ارزش‌های رسمی است که هم قدرت توصیف و هم قدرت تجویز دارد. از این رو تمهیدات فنی برای نیل به اهداف رسمی را فراهم می‌کند (بوزان، ۱۳۷۸: ص ۸۷). نائینی در تبیین حکومت‌ها، شریعت حقه را حافظ حکومت ولایتیه، و استبداد دینی را حافظ حکومت تملیکیه و مشروعیت‌بخش آن‌ها تعریف می‌کند.

۱) استبداد دینی، ایدئولوژی تهدیدکننده امنیت سیاسی: نائینی وظیفه مقامیه شعبه استبداد دینی را حفظ شجره خبیثه استبداد می‌داند که به اسم حفظ دین به آن اقدام می‌کند. استبداد دینی «عبارت از ارادت خودسرانه است که منسلکین در زری ریاست روحانیه به عنوان دیانت اظهار و ملت جهول را به وسیله فرط جهالت و عدم خبرت به مقتضیات کیش و آئین خود به اطاعتش وامی‌دارند، و هم دانستی که این اطاعت و پیروی چون غیر مستند به حکم الهی - عزّ اسمه - است، لهذا از مراتب شرک به ذات احدیت [است]» (نائینی، ۱۳۹۳: ص ۱۴۳).

در واقع، استبداد دینی با تلبیس حق و باطل، استبداد را توجیه، و ملت را بر اطاعت آن اقناع می‌کند (نائینی، ۱۳۹۳: ص ۶۴). نائینی ریشه استبداد دینی در میان مسلمانان را از بدعت‌های معاویه می‌داند که برای مقابله با حکومت حضرت امیر(ع) عده‌ای از اصحاب متفقد رسول خدا(ص)، نظیر عمرو عاص، محمد بن مسلمه و... را هم‌دست خود کرد تا به اسم دینداری به دفاع از قوه مشنوم استبداد پردازند (همان: ص ۱۴۴-۱۴۵). نائینی روزگار خود را حاصل اندماج استبداد دینی با استبداد سیاسی می‌داند و می‌گوید: «روزگار سیاه ما ایرانیان هم به هم آمیختگی و حافظ و مقوم همدیگر بودن این دو شعبه استبداد و استعباد [استبداد دینی و استبداد سیاسی] را عیاناً مشهود ساخت» (همان: ص ۵۸).

۲) شریعت حقه، ایدئولوژی حافظ حکومت ولایتیه: نائینی حکومت مطلوب شرع را «امانت‌داری نوع و ولایت بر نظم و حفظ و اقامه سایر وظایف راجعه به نگاهبانی» می‌داند (همان: ص ۶۹). او برای صیانت از

این امانت و ممانعت از تبدل آن به مالکیت، قوای درونی و نظارت بیرونی را برمی‌شمارد که عبارت است از: **الف. عصمت و قوه عاصمه:** بر اساس اصول مذهب شیعه، بالاترین وسیله صیانت از امانت حکومت، عصمت امام است (همان: ص ۴۵-۴۶). اما با عدم دسترسی به دامان مبارک معصوم در عصر غیبت، قوه عاصمه بیرونی ضرورت پیدا می‌کند. این قوه عاصمه موقوف بر دو امر است: قانون اساسی و مجلس شورای ملی (همان: ۴۷ - ۴۸). نائینی درباره مشروعیت مجلس شورا معتقد است: «بنابر اصول ما طایفه امامیه، که این‌گونه امور نوعیه و سیاست امور امت را از وظایف نواب عام عصر غیبت - علی مغیبه السلام - می‌دانیم، اشمال هیئت منتخبه بر عده‌ای از مجتهدین عدول و یا مأذونین از قبیل مجتهدی و تصحیح و تنفیذ و موافقتشان در آرای صادره برای مشروعیتش کافی است» (همان: ص ۴۹).

ب. امر به معروف و نهی از منکر (همان: ص ۷۵).

ج. نیابت ولایت فقها و نظارت آن‌ها: نائینی نیابت فقهای عصر غیبت در وظایف حسبیه را از قطعیات امامیه و از باب قدر متیقن و ثابت می‌داند (همان: ص ۷۶).

د. لزوم تحدید غاصب: به اعتقاد نائینی «از قطعیات است ... ترتیبات عملیه و گماشتن هیئت نظاری توان تصرفش [غاصب] را تحدید و موقوفه مخصوبه را ... صیانت نمود، البته وجوب آن بدیهی و خلاف در آن نه تنها از علمای متشرعین، بلکه از عقلای دهرین هم هیچ متصور و متحمل نخواهد بود» (همان: ص ۷۶).

ه. شورا و مشورت: نائینی شورویه بودن سلطنت و حکومت را امری شرعی و عقلی می‌داند که ترقی و نفوذ اسلام در صدر اول از آن نشأت گرفت. ایشان حقیقت سلطنت و حکومت اسلامیه را عبارت می‌داند از «ولایت بر سیاست امور امت و ابتناء اساسش بر مشارکت تمام ملت در نوعیات مملکت بر مشورت با عقلای امت که عبارت از همین شورای عمومی ملی است» (نائینی، ۱۳۹۳: ص ۸۳).

۴-۳. سرزمین و مرزهای حکومت

بُعد سوم امنیت سیاسی، پایگاه مادی و فیزیکی دولت، یعنی سرزمین مشخص است، به طوری که موجودیت یک دولت مستلزم وجود یک سرزمین با مرزهای معین است. از این‌رو، تأمین امنیت آن از اصول یک حکومت محسوب می‌شود: «تحفظ از مداخله اجانب و تحذّر از حیث معموله در این باب و تهیه قوه دفاعیه و استعدادات حربیه و غیرذلک و این معنا را در لسان متشرعین، «حفظ بیضه اسلام» و سایر ملل

«حفظ وطنش» خوانند» (همان: ص ۳۹-۴۰).

فقدان امنیت مرزها و تمامیت ارضی، امنیت سیاسی دولت‌ها را دچار تزلزل می‌کند و ممکن است به فروپاشی حکومتی منجر گردد (همان).

۵. نتیجه‌گیری

نائینی با استناد بر اصول و قواعد فقه شیعه، به مواجهه با مسائل و مفاهیم جدید پرداخته و به رهجویی مفاهیمی چون آزادی، امنیت، حکومت و... از شریعت دست یازیده است. به اعتقاد او، استقامت نظام عالم و تعیّن نوع بشر متوقّف بر سلطنت و سیاست است که دو وظیفه اساسی دارد: نخست، حفظ نظامات داخله مملکت و تربیت اهالی و... (امنیت داخلی)، دوم، تحفّظ از مداخله اجانب و تحدّر از حیل معموله در این باب (امنیت خارجی). نائینی بر اساس این دو وظیفه، دو نوع حکومت تملیکیه و ولایتیه را احصاء کرده است که می‌توان مفاهیم آزادی و امنیت سیاسی را در سایه آن‌ها تبیین نمود. او حکومت ولایتیه را مورد امضای شرع مقدس و حکومت مطلوب معرفی می‌کند؛ چراکه حقیقت آن به عنوان یک امانت، بر اقامه نظم و حفظ مملکت است.

با عنایت به مبنا بودن سلطنت ولایتیه به عنوان حکومت مقبول شرع در اندیشه نائینی، امنیت سیاسی و آزادی در سایه این حکومت مطلوب و شرع معنا پیدا می‌کند، و چون هدف‌گذاری حکومت ولایتیه، حرکت در راستای رضایت شرع است، نسبت امنیت سیاسی و آزادی و تقدّم و تأخّر هر یک در پرتو شرع معنا می‌یابد. بر این اساس، در اندیشه نائینی، بین امنیت سیاسی و آزادی، تعامل و بلکه تلازم در چارچوب حکومت ولایتیه و منبعث از شرع، حاکم است؛ به طوری که دستیابی به هر دو در سایه حکومت مَمضی شرع امکان‌پذیر بوده و با خروج از این حکومت، امنیت در سایه استبداد حاصل می‌شود و آزادی به هرج و مرج ره پیدا می‌کند؛ همان‌طور که در پسِ مشروطه، آزادی به شبه هرج و مرج منجر شد و امنیت در سایه استبداد رضاخان‌ی انعکاس یافت. البته ممکن است به اقتضای مصالح جامعه و حاکم صالح در حکومت ولایتیه، اهمیت یکی نسبت به دیگری کاهش پیدا کند، مثلاً برای برخورداری از آزادی‌های معقول، بخشی از آزادی‌ها جهت حفظ نظامات داخله مملکت (امنیت داخلی) یا تحفّظ از مداخله اجانب (امنیت خارجی) مقید شود تا در بستری امن، به فعالیت‌های آزادانه بپردازند.

خلاصه اینکه نائینی با رهجویی آزادی و امنیت سیاسی از شریعت حقّه، چون شرع را مبنایی واحد برای

هر دو تلقی می‌کند، از این رو تضاد و تعارضی بین این دو مفهوم در اندیشه نائینی نمی‌یابیم، بلکه تعامل و حتی تلازم بین آزادی و امنیت سیاسی حاکم است؛ چراکه آزادی بدون امنیت، تبلور هرج و مرج در جامعه است که مطرود شرع است، و امنیت بدون آزادی، انعکاس استبداد می‌باشد که در شرع مذموم بوده و اساساً در حکومت مطلوب شرع، یعنی ولایتیه، امنیت و آزادی توأمان تأمین می‌شوند و اساس آن بر نفی و طرد استبداد و هرج و مرج قوام می‌یابد.

منابع

- نهج البلاغه.** حسین سید رضی؛ ترجمه محمد دشتی. قم: نشر امام علی (ع)، ۱۳۶۹، چاپ دوم.
- آخوند خراسانی، محمدکاظم (۱۴۰۶ق). **حاشیه کتاب المکاسب.** تحقیق سید مهدی شمس‌الدین. تهران: انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- اخوان کاظمی، بهرام (۱۳۸۶). **امنیت در نظام سیاسی اسلام.** تهران: کانون اندیشه جوان.
- اسکینر، کونتین (۱۳۸۰). **ماکیاولی.** ترجمه عزت‌الله فولادوند. تهران: طرح نو.
- انصاری، مرتضی (۱۴۲۲ق). **المکاسب.** قم: مجمع الفکر الاسلامی.
- بوزان، باری (۱۳۷۸). **مردم دولت‌ها هراس.** ترجمه پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- بوزان، باری؛ ویور، الی؛ دوویلند، پاپ (۱۳۹۲). **چارچوبی تازه برای تحلیل امنیت.** ترجمه علیرضا طیب. تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- پورسعید، فرزاد (۱۳۹۲). **فرهنگ توصیفی اصطلاحات امنیت.** تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- حائری، عبدالهادی (۱۳۹۲). **تشیع و مشروطیت در ایران و نقش ایرانیان مقیم نجف.** تهران: امیرکبیر.
- دهخدا، علی اکبر (۱۳۷۷). **لغت‌نامه.** تهران: دانشگاه تهران.
- سلیمانی، جواد (۱۳۸۲). **حدود و جایگاه آزادی در اندیشه سیاسی میرزای نائینی.** شرق‌شناسی نوین و انقلاب اسلامی، شماره ۳: ۲۴۱-۲۷۴.
- سلیمانی، کریم؛ رفعتی پناه مهربادی، مهدی (۱۳۹۳). **مفهوم آزادی نزد روشنفکران ایرانی پیش از انقلاب مشروطه.** *مطالعات تاریخ فرهنگی*، شماره ۲۲: ۵۳-۷۶.
- عنایت، حمید (۱۳۷۲). **اندیشه سیاسی در اسلام معاصر.** ترجمه بهاء‌الدین خرمشاهی. تهران: خوارزمی.
- فیرحی، داوود (۱۳۷۲). **اندیشه سیاسی شیعه در دوره قاجاریه.** پایان‌نامه کارشناسی ارشد، گروه علوم سیاسی. تهران: دانشگاه تهران.
- لکزایی، نجف؛ نباتیان، محمداسماعیل؛ کریمیان کریمی، نورالله (۱۳۹۵). **امنیت ملی دولت اسلامی از منظر فقه شیعه.** *سیاست متعالیه*، شماره ۱۴: ۴۱-۶۰.
- متقی هندی، علاء‌الدین علی بن حسام (۱۴۳۱ق). **کنز العمال فی سنن الاقوال و الافعال.** بیروت: دار احیاء التراث العربی، ج ۳.
- مستشارالدوله، میرزا یوسف (۱۳۸۶). **یک کلمه.** تهران: انتشارات بال.
- منتسکیو (۱۳۹۵). **روح القوانین.** ترجمه و نگارش علی اکبر مهتدی. تهران: امیرکبیر.
- میراحمدی، منصور (۱۳۹۹). **آزادی در فلسفه سیاسی اسلام.** قم: بوستان کتاب.
- نائینی، محمدحسین (۱۳۹۳). **تنبیه‌الامه و تنزیه‌المله.** تحقیق سید جواد ورعی. قم: بوستان کتاب قم.

نجفی، موسی (۱۳۷۹). حوزه نجف و فلسفه تجدد در ایران. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

نوذری، حسینعلی؛ پورقلی، مجید (۱۳۸۹). روش‌شناسی مطالعه اندیشه سیاسی؛ متدولوژی کوئینتن اسکینر. علوم سیاسی، شماره ۱۱: ص ۹۵-۱۱۹.